

رئیس انجمن دفاتر خدمات مسافرت هوایی:

نرخ بلیت پروازهای اربعین امسال به ۲۵ میلیون تومان می‌رسد



وارد شده باشد، آن هواپیما باید مجدداً مورد بررسی‌های فنی قرار گیرد و پس از انجام کنترل‌های لازم به‌ناوگان بازگردد.

وی یادآور شد: از سوی دیگر، در دوره‌ای که پروازها لغو شده و فعالیت بخش قابل توجهی از ناوگان متوقف بود، هواپیماها به‌عنوان سرمایه ملی زمین‌گیر شدند که این موضوع هزینه‌های سنگینی را به شرکت‌های هواپیمایی تحمیل کرده است.

رئیس انجمن دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران در پایان خاطرنشان کرد: برآورد ما این است که ایران‌ها حداقل بیش از ۲۰ همت زبان متحمل شده باشند. علاوه بر این، هزینه‌های پرسنلی و سایر هزینه‌های عملیاتی نیز افزایش یافته است؛ بنابراین پیش‌بینی من این است که قیمت بلیت پروازهای اربعین امسال کمتر از ۲۵ میلیون تومان نباشد.

رئیس انجمن دفاتر خدمات مسافرت هوایی گفت: براساس پیش‌بینی‌ها با افزایش ۳۰ تا ۴۰ درصدی نرخ بلیت هواپیما، قیمت پروازهای اربعین ۱۴۰۵ احتمالاً به حدود ۲۴ تا ۲۵ میلیون تومان خواهد رسید.

حرم‌الله رفیعی، رئیس انجمن دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران در گفت‌وگو با مهر درباره قیمت بلیت پروازهای اربعین ۱۴۰۵ و احتمال افزایش نرخ پروازهای اربعین اظهار کرد: قیمت بلیت پروازهای اربعین امسال نباید افزایش داشته باشد، زیرا افزایش هزینه‌ها و قیمت‌ها در طول سال به تدریج اعمال می‌شود.

وی افزود: به‌صورت کلی نیز پیش‌بینی می‌شود نرخ بلیت پروازهای اربعین امسال افزایش قابل توجهی نداشته باشد. البته با توجه به شرایط اقتصادی و وضعیت معیشتی مردم، توان پرداخت هزینه‌های بالا برای بسیاری از متقاضیان وجود ندارد و در چنین شرایطی، سفر هوایی نمی‌تواند در اولویت نخست زائران اربعین قرار گیرد.

رئیس انجمن دفاتر خدمات مسافرت هوایی و جهانگردی ایران بیان کرد: با این حال، پیش‌بینی بنده این است که شرکت‌های هواپیمایی در ایام اربعین امسال نیز نرخ بلیت را نسبت به سال گذشته حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش دهند.

وی ادامه داد: پیش‌بینی من این است که قیمت بلیت پروازهای اربعین حدود ۲۴ تا ۲۵ میلیون تومان باشد و به‌طور کلی امیدوارم چنین اتفاقی رخ ندهد. البته هم‌اکنون نیز در مسیر ایران - عراق و در صورت وجود مسافر، بلیت‌های رفت و برگشت با نرخ‌هایی کمتر از ۲۵ میلیون تومان عرضه نمی‌شود و عملاً این افزایش قیمت در بازار مشاهده شده است.

رفیعی با اشاره به وضعیت ناوگان هوایی کشور پس از جنگ تحمیلی سوم گفت: شرکت‌های هواپیمایی در این مدت آسیب‌های متعددی متحمل شدند. تعدادی از هواپیماها به‌طور کامل از بین رفتند و حتی اگر تنها ترکش یا آسیبی جزئی به یک هواپیما

معاون پژوهش، برنامه‌ریزی و توسعه منابع آموزش و پرورش استان کرمان:

شرکت‌های سرویس مدارس موظف به بازگرداندن ۳۰ درصد هزینه شدند

به گزارش فردای کرمان به نقل از اداره اطلاع رسانی و روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان کرمان، سعید احمدی بیان کرد: «با عنایت به مجازی شدن آموزش مدارس از ۱۰ اسفندماه سال گذشته و عدم انجام خدمات جابه‌جایی دانش‌آموزان و استمرار این شرایط، وفق ماده ۲۵ آیین‌نامهی سرویس دانش‌آموزی، جلسات کارگروه در کل شهرستان‌های استان تشکیل شده و تصمیمات متفاوت در هر کارگروه اتخاذ و مصوبات لازم در زمینه‌ی استرداد وجوه مابه‌التفاوت هزینه‌ی سرویس دانش‌آموزی به شرکت‌های حمل‌ونقل دانش‌آموزی ابلاغ شده است.»

وی افزود: «در شهر کرمان کارگروه ویژه‌ی حمل‌ونقل دانش‌آموزی مصوبه‌ای را به شرکت‌های سرویس مدارس ابلاغ کرد که بر اساس این مصوبه، تمام شرکت‌های فعال در حوزه حمل‌ونقل دانش‌آموزی مکلف هستند تا پایان خردادماه ۱۴۰۵، مبلغی معادل ۳۰ درصد کل ایام قرارداد از هزینه‌ی سرویس دانش‌آموزان را از تاریخ ۱۰ اسفند ۱۴۰۴ به بعد، به حساب اولیای گرامی واریز کنند.»

احمدی تأکید کرد: «بهترین مدرسه نزدیک‌ترین مدرسه به محل سکونت است به خانواده‌های گرامی توصیه می‌شود در ثبت‌نام فرزندان خود در سال تحصیلی پیش‌رو این مورد را جهت آرامش خاطر بیشتر مدنظر قرار داده و پیش از آغاز سال تحصیلی در راستای ارتقاء فرهنگ شهروندی، مهارت استفاده از سرویس حمل‌ونقل عمومی و موارد ایمنی را به فرزندان خود آموزش دهند.»



معاون پژوهش، برنامه‌ریزی و توسعه منابع آموزش و پرورش استان کرمان از استرداد بخشی از هزینه سرویس مدارس خبر داد و گفت: «با توجه به مجازی شدن آموزش از ۱۰ اسفند سال گذشته و توقف جابه‌جایی دانش‌آموزان، کارگروه حمل‌ونقل دانش‌آموزی در شهر کرمان مصوب کرده است شرکت‌های سرویس مدارس ۳۰ درصد از هزینه قرارداد را از تاریخ ۱۰ اسفند ۱۴۰۴ به بعد تا پایان خرداد ۱۴۰۵ به حساب اولیای دانش‌آموزان واریز کنند.»

موج‌اصلاحی سنگین؛

بازارهای مالی جهانی یک تریلیون دلار ریخت

انتشار گزارش اشتغال قوی آمریکا و تقویت دلار، منجر به سقوط آزاد قیمت طلا، نقره، سهام فناوری و ارزهای دیجیتال شد و بیش از یک تریلیون دلار از ارزش بازارهای مالی کاست.

به گزارش مهر به نقل از رویترز، بازارهای مالی جهان در ۲۴ ساعت گذشته شاهد یکی از سنگین‌ترین موج‌های اصلاحی ماه‌های اخیر بودند. این موج که از بازار فلزات گرانبها آغاز شد و به بورس آمریکا و ارزهای دیجیتال کشیده شد، منجر به از بین رفتن بیش از یک تریلیون دلار از ارزش بازارهای مالی شد.

در معاملات روز گذشته، قیمت جهانی طلا با افتی حدود ۱۵۵ دلاری معادل ۳.۵ درصد، به حدود ۴۳۲۲ دلار در هر اونس رسید. نقره نیز با سقوط بیش از ۸ درصدی، تا محدوده ۶۷ دلار عقب‌نشینی کرد.

بازار سهام آمریکا نیز تحت فشار شدیدی قرار گرفت؛ به‌طوری که شاخص نزدک ۱۰۰، که مهم‌ترین نماد سهام شرکت‌های فناوری آمریکا محسوب می‌شود، تنها در یک روز ۴.۵ درصد از ارزش خود را از دست داد. سهام غول‌های فناوری از جمله نوویدا، مایکروسافت، متا، آمازون، تسلا، آلفابت و AMD نیز با افت‌های قابل توجهی مواجه شدند. برآوردها نشان می‌دهد تنها طی دو ساعت، بیش از ۱۰۹ تریلیون دلار از ارزش بازار بورس آمریکا از بین رفته است. شاخص دلار آمریکا (DXY) نیز با تقویت محسوس به محدوده ۱۰۰ واحد رسید، سطحی که تحلیلگران نقش مهمی در فشار بر قیمت کالاها و فلزات گرانبها ایفا کرده است.

بازار ارزهای دیجیتال نیز از این موج فروش در امان نماند؛ بیت‌کوین، به‌عنوان بزرگ‌ترین دارایی دیجیتال جهان، به زیر سطح ۶۰ هزار دلار سقوط کرد و فشار فروش در کل بازار کریپتو افزایش یافت. حجم لیکوئید شدن موقعیت‌های معاملاتی در بازار ارزهای دیجیتال طی ۲۴ ساعت گذشته به حدود ۱.۵ میلیارد دلار رسید.

محرك اصلی این تحولات، انتشار گزارش اشتغال آمریکا بود که تصویری بسیار قوی‌تر از انتظار از اقتصاد این کشور ارائه کرد. تعداد شغل‌های ایجاد شده تقریباً دو برابر انتظارات بازار بوده و نرخ بیکاری نیز در همان سطح ماه قبل باقی‌مانده است. این قدرت اقتصادی،



سر مقاله

دو برداشت از توافق

دکتر رحمن فهرمانپور / کارشناس ارشد مسائل بین‌الملل

درباره یادداشت‌تفاهم در مذاکره میان ایران و آمریکا در شرایط فعلی دو دیدگاه کلی وجود دارد: دیدگاه خوش‌بینانه بر این باور است که ترامپ از جنگ خسته شده و به دنبال یک راه‌برون رفت و یک راه خروج می‌گردد؛ چون به لحاظ شخصی و روان‌شناسی فردی، حوصله تداوم جنگ و بی‌ثمر بودن آن را ندارد. هم‌راستا با این رویکرد، عده‌ای از منظر یک نگاه استراتژیک و راهبردی معتقدند که در ارزیابی تیم ترامپ، جنگ سودمندی خودش را برای حل منازعه ایران و آمریکا و وادار کردن ایران به تسلیم از دست داده و بنابراین حتی اگر ترامپ بتواند به لحاظ نظامی جنگ جدیدی علیه ایران شروع کند، هیچ تضمینی وجود ندارد که ایران بعد از این جنگ تسلیم شود. برعکس اگر این جنگ به آسیب دیدن استراتژیک ایران منجر نشود، عزم و اراده تهران را برای مقاومت در برابر آمریکا بیشتر هم می‌کند.

استدلال سوم در این راستا این است که هم ایران و هم ترامپ خواهان توافق هستند، اما در پایتخت‌ها برای اجماع‌سازی با مشکل مواجه هستند. مشخصاً ایران به دلیل شرایط خاصی که بعد از جنگ پیدا کرده و ساختار قدرت جدیدی که در آن ظاهر شده است، فعلاً در کوتاه‌مدت توان ایجاد اجماع سیاسی پایدار را برای توافقی با آمریکا ندارد. شاید واسطه‌ها و میانجی‌ها ترامپ را متقاعد کنند که به ایران این فرصت را بدهد که بتواند در داخل اجماع سیاسی نسبتاً قوی‌ای ایجاد کند.

از طرف دیگر ترامپ هم در داخل با حملات مداوم دموکرات‌ها مواجه است. بعد از آنکه او با رئیس‌جمهور قبلی اعلام کرد که ترامپ فریب حرف‌های نتانیاهو را خورده است، خانم هیلاری کلینتون هم حملات خود را به ترامپ تشدید کرد و صراحتاً گفت که ترامپ در این جنگ شکست خورده و شرایط را حتی بدتر کرده است. بنابراین در این استدلال گفته می‌شود که دو طرف، به دلیل شرایط داخلی که با آن مواجه هستند، ترجیح می‌دهند که فعلاً به یک توافق موقت یا یک یادداشت تفاهم موقت دست پیدا کنند تا بتوانند شرایط داخلی را تا حدی به نفع خود تغییر دهند و در یک فرصت زمانی مناسب به توافق برسند.

دیدگاه چهارم در نگاه خوش‌بینانه این است که دو طرف در مورد کلیات مسیر آتی و مسیر بعد از یادداشت تفاهم به نوعی توافق رسیده‌اند و بنابراین این یادداشت تفاهم یا این توافق موقت می‌تواند بعد از دو یا سه ماه به یک توافق کلی و پایدار منجر شود.

اما در مقابل، دیدگاه محتاطانه و بدبینانه هم چهار استدلال مطرح می‌کند. در مورد اینکه این یادداشت تفاهم می‌تواند صرفاً یک توقف و یک تأخیر کوتاه‌مدت در روند منازعه طولانی مدت میان ایران و آمریکا باشد.

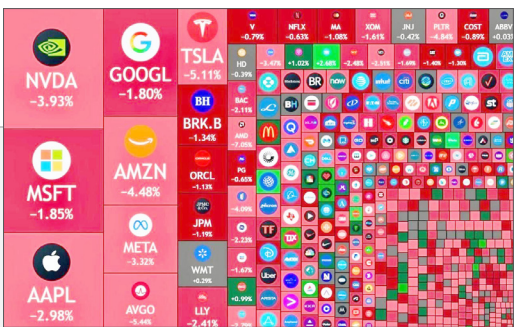
در واقع این استدلال معتقد است که هنوز اختلافات اصلی و بنیادی میان ایران و آمریکا حل نشده و نشانه‌ای از اینکه دو طرف در مورد این موضوعات یعنی مساله غنی‌سازی و ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد و تنگه هرمز به توافق رسیده باشند، دیده نمی‌شود. بنابراین نباید عجله کرد و چنین نتیجه گرفت که اصلی‌ترین مسائل مورد اختلاف میان دو طرف حل شده است، چرا که می‌دانیم در چهل و اندی سال گذشته دو طرف نتوانسته‌اند این مشکلات را حل کنند؛ بنابراین بعید است که بتوانند به این سرعت مشکلات خود را حل کنند.

استدلال دیگری که در این راستا مطرح می‌شود، این است که دو طرف یعنی ایران و آمریکا از سر اجبار به سمت این توافق حرکت کرده‌اند. آمریکا به این یادداشت تفاهم نیاز دارد، تا بتواند مجدداً خود را برای یک جنگ احتمالی بعدی آماده کند، اعتبار از دست رفته خود را در سطح بین‌المللی به دست بیاورد و متحندان منطقه‌ای را تقویت کند و به آنها سلاح بفروشد و همچنین در سطح جهانی بتواند متحدانی مانند اروپا، ژاپن و کره جنوبی را متقاعد کند که در مرز حله بعدی منازعه با ایران طرفداری بیشتری از آمریکا به عمل بیاورند. بنابراین از این منظر آمریکا به دنبال توافق پایدار نیست، بلکه می‌خواهد زمان ببرد.

در طرف مقابل هم ایران برای کاستن از شرایط ناپایدار اقتصادی، برای کاستن از فشارهای داخلی، فروش نفت و مدیریت پیامدهای ناشی از محاصره دریایی آمریکا نیاز دارد که یک توافق موقتی با آمریکا داشته باشد تا تاب آوری خود را تقویت کند و بتواند برای دور بعدی احتمالی درگیری با آمریکا آمادگی بیشتری داشته باشد.

در نهایت استدلال بعدی در این راستا یعنی در دیدگاه بدبینانه، این مساله است که توقف حملات علیه ایران آن گونه که ترامپ اظهار کرده، ناشی از کمبودهای نظامی و اطلاعاتی آمریکا در شروع جنگ مجدد است و اگر قرار بود ترامپ جنگ جدیدی را آغاز کند، باید اهداف استراتژیک را پیدا می‌کرد و به آنها ضربه می‌زد تا بتواند اعلام پیروزی کند.

احتمالاً آمریکا در دستیابی به اطلاعات حساس و محرمانه مشکل داشته یا اینکه از نظر تسلیحاتی و وجود تسلیحات پیشرفته با کمبود مواجه بوده است و بنابراین به لحاظ فنی آمادگی لازم را برای شروع جنگ دیگری نداشته بنابراین ترجیح داده که در شرایط فعلی به یک تفاهم موقت با ایران دست باید تا بتواند آن کمبودهای اطلاعاتی و نظامی و تسلیحاتی خود را جبران کند تا تهدیدهای ترامپ در چارچوب دیپلماسی اجبار در ماه‌های آینده باورپذیر شود؛ چرا که می‌دانیم ترامپ همچنان در چارچوب دیپلماسی اجبار، به این فکر می‌کند که اگر دیپلماسی جواب نداد، بتواند از اقدام نظامی علیه ایران استفاده کند.



فدرال رزرو را کاهش نرخ بهره برای تحریک اقتصاد باز می‌دارد و حتی احتمال افزایش مجدد نرخ بهره برای مهار تورم را تقویت کرده است.

این تغییر انتظارات پولی، منجر به فروش گسترده در بازار فلزات گرانبها شد، زیرا نرخ بهره بالا هزینه نگهداری دارایی‌های بدون سود مانند طلا را افزایش می‌دهد. بر اساس داده‌های FedWatch، بازارها اکنون انتظار دارند فدرال رزرو دست‌کم یک بار تا پایان سال ۲۰۲۴ نرخ بهره را افزایش دهد.

نکته قابل توجه این است که طلا، برخلاف انتظار، نتوانست در دوران تنش‌های ژئوپلیتیکی به عنوان یک دارایی امن عمل کند و طی سه ماه گذشته حدود ۱۲ درصد از ارزش خود را از دست داده است؛ موضوعی که نشان می‌دهد اثر سیاست‌های پولی بر عوامل سیاسی غلبه کرده است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا، با انتقاد از این وضعیت، رشد اقتصادی را لازمه عظمت کشور دانست و آن را با تورم متفاوت خواند.

تقویت دلار آمریکا نیز عامل مهم دیگری در افت قیمت دارایی‌ها بوده است. سرمایه‌گذاران، با توجه به آسیب‌پذیری کمتر اقتصاد آمریکا در برابر جهش قیمت نفت، سرمایه‌ها را به سمت دلار هدایت کرده و ارزش آن را تقویت نموده‌اند؛ این امر خرید طلا را برای سرمایه‌گذاران غیرمربکایی گران‌تر کرده و تقاضای جهانی برای آن را کاهش داده است. اکنون معامله‌گران منتظر نشست‌های آتی فدرال رزرو هستند. تداوم روند قدرتمند اشتغال و فعالیت اقتصادی آمریکا، احتمال تثبیت یا افزایش نرخ‌های بهره را تقویت خواهد کرد و این سناریو می‌تواند فشار بر بازارها را در ماه‌های آینده ادامه دهد.